

قوم باستان‌شناختی راه‌کارهای شکار حوزه رود گنگیر ایوان، در غرب زاگرس مرکزی

علی نوراللهی^۱، حسن طلایی^۲، بهمن فیروزمندی شیرجینی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۲۹)

چکیده

شکار حیوانات مختلف یکی از نخستین استراتژی‌هایی بود که بشر برای تأمین غذای خود از آن بهره برد و توانست بقای خود را از راه شکار در دسته‌های کوچک تأمین کند و چنان در این راه مهارت پیدا کرد که توانست حیوانات بزرگ را نیز شکار کند. شکار مستلزم مهارت‌های متعددی مانند ردگیری، تعقیب و کشتن شکار است. به همین دلیل بخش مهمی از مطالعات انسان‌شناختی و قوم باستان‌شناختی را به خود اختصاص داده است. از سویی شکار به دلیل ماهیت آن یک شیوه معیشتی وابسته به منابع طبیعی بود و بشر بر آن کنترل نداشت. این عامل بر جمعیت گروه‌های انسانی تأثیر مستقیم داشت. پس از تحولات فن‌آوری و اهلی‌سازی که خود متأثر از شکار بود، شکار اهمیت خود را از دست داد. علی‌رغم این‌که تمام جنبه‌های شکار تخصصی شده بود، ولی پس از آن نتوانست به عنوان یک شیوه معیشت مستقل ادامه یابد. مطالعه روش‌های مختلف شکار در میان ایل کلهر در شهرستان ایوان و این‌که چه حیواناتی برای چه مقاصدی شکار می‌شدند و چه راه‌کارهایی در منطقه برای حفظ و بقای منابع طبیعی

* alinorallahy@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۲. استاد، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دانشیار، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

به کار گرفته شده است، همچنین وسایل و ابزارآلات شکار که مردمان این منطقه امروزه و تا چند دهه پیش به کار می گرفتند، اطلاعات ارزنده‌ای از سیستم شکار از دوران پارینه سنگی تا همین اواخر را در اختیار ما قرار می دهد.

کلید واژگان: زاگرس مرکزی، قوم باستان‌شناختی، راه‌کار شکار، حوزه گنگیر، ایوان.

۱- مقدمه

بشر از زمانی که پا بر عرصه حیات گذاشت یکی از ابتدایی‌ترین شیوه معیشتی که در برابر او قرار داشت شکار حیوانات وحشی و گردآوری میوه‌ها و دانه‌های خوراکی بود. به مرور زمان آگاهی بشر از طریق طبیعت‌کاوی افزایش یافت و توانست شیوه زیست حیوانات مختلف به همراه عادات و ویژگی‌های هر حیوان را برای شکار و دور ماندن از خطر شکارشدن بیاموزد. همین عامل یعنی آگاهی از عادات حیوانات مختلف در طی زمان سبب تنوع بسیاری در وسایل و ابزارهای شکار شده که هرکدام با شرایط و ویژگی‌های حیوان مورد نظر انطباق یافته است. براساس مدارک باستان‌شناختی بشر بیش از چند صد هزار سال این شیوه معیشتی را برگزیده و در آن به طور کامل مهارت یافته بود، به طوری که حتی اقدام به شکار حیوانات بسیار بزرگ‌تر از خود می کرد، با انقراض و از بین رفتن این حیوانات بزرگ خود را با تغییر در ابزارهای شکار با شرایط جدید تطبیق می داد. حال با کسب مهارت‌های زیاد از جمله ردگیری، استفاده از ابزارهای منطبق بر نوع شکار، استتار، کمین و غیره این شیوه زندگی پس از دوران پارینه‌سنگی به صورت یک شیوه معیشتی مستقل در کنار شیوه معیشتی کشاورزی و دامداری درنیامد؟ دلایل متعددی برای پاسخ به این سوال می توان بیان کرد از جمله این شیوه معیشتی نسبت به کشاورزی و دامداری از امنیت و اطمینان کمتری برخوردار است. با ازدیاد جمعیت جوامع انسانی نیاز به تأمین پروتئین و مواد غذایی بسیار بیش از گذشته بود، دیگر شکار پاسخ‌گوی این نیازهای روزافزون نبوده، به‌عنوان شیوه‌ای مکمل مورد استفاده قرار می گرفت. همین شکارچیان اولیه بودند که با طبیعت کاوی و دقت در رفتار حیوانات و شکار انتخابی یا گزینشی حیوانات که زندگی آن‌ها وابستگی مستقیمی به وجود آن‌ها داشت سعی داشتند تا حیوانات نر را برای شکار انتخاب کنند و کمتر ماده‌ها و بچه‌ها را شکار کنند تا سبب کاهش و

قوم باستان‌شناختی راه‌کارهای شکار حوزه ... _____ علی نوراللهی و همکاران

انقراض آن‌ها نشوند. این شکار انتخابی به همراه زنده‌گیری (به‌خصوص بچه حیوانات) در هزاره نهم پ.م. سبب اهلی شدن بز و گوسفند شد (هول^۱ و همکاران، ۱۹۶۹:۲۷۷).

ریخت‌شناسی منطقه ایوان و شرایط آب و هوایی و پوشش گیاهی تأثیر بسیاری در پراکندگی حیوانات مختلف دارد. به طوری که برخی از حیوانات فقط در مناطق کوهستانی یافت می‌شوند و برخی دیگر با تغییر فصول و شرایط آب هوایی مهاجرت می‌کنند، این عوامل سبب استفاده از وسایل و راه‌کارهای متعدد برای شکار این حیوانات شده است.

مطالعات قوم باستان‌شناختی و انسان‌شناختی^۲ متعددی در حوزه زاگرس مرکزی و مناطق هم‌جوار آن صورت گرفته است از جمله کارول کرامر^۳ (۱۹۸۲)، پتی جو واتسون^۴ (۱۹۷۹)، سکندر امان‌اللهی‌بهاروند (۱۹۷۵)، فرانک هول (۱۹۷۸)، آلن زاگارل^۵ (۱۹۸۲، ۱۹۷۵)، اینگه دیمانت مورتسن^۶ (۱۹۹۳)، کامیار عبدی و همکاران (۲۰۰۳)، عباس علیزاده (۱۳۷۸)، که بیشتر حول محور کوچ‌نشینان و جوامع روستایی این منطقه انجام شده و جز دیمانت مورتسن (۱۹۹۳) که ابزارها و تله‌های شکار را در زاگرس توصیف کرده، در باقی آن‌ها توجهی به موضوع و شیوه‌های شکار نشده است؛ بنابراین می‌توان بیان کرد در ایران تاکنون شیوه‌های شکار از منظر قوم باستان‌شناسی مورد مطالعه جدی واقع نشده است. موضوع شکار در بیشتر منابع و مطالعات عصر سنگ، مس سنگی، مفرغ و دوره بعدی یعنی عصر آهن به صورت کلی و در رابطه با برخی ابزارها و استخوان‌های به‌دست آمده محوطه‌ها یا گورها مطرح می‌شود. کمتر به چگونگی مراحل شکار پرداخته می‌شود؛ بنابراین در این مقاله مبتنی بر بررسی میدانی نگارنده ضمن ارائه مقدمه و سپس توضیحی مختصر درخصوص تحولات جمعیتی، اکولوژی و اقلیم منطقه، سپس به ابزارها و شیوه‌های شکار که امروز در بین عشایر شهرستان ایوان رواج دارد پرداخته و در پایان جمع‌بندی از تمام مطالب ارائه شده است.

1. Hole

۲. از نظر انسان‌شناسان شکار بسیاری از ویژگی‌های انسان چون زبان، تقسیم‌بندی، خانواده هسته‌ای، هوشیاری، ابزارسازی و نقش‌های مختلف جنسی را تکامل بخشید (بیلی ۱۳۷۶:۱۱۴).

3. Kramer

4. Watson

5. Zagarell

6. Mortensen

۲- تطور جوامع شکارگر

براساس شواهد باستانشناختی دشت‌های میان کوهی زاگرس دست‌کم از اواخر پلیستوسن میانی محل زندگی جوامع شکارگر، گردآورنده غذا بوده است. هنوز میزان و چگونگی برهم‌کنش انسان و محیط‌زیست در دوران پارینه‌سنگی زاگرس به دلیل شمار اندک و نیز جهت‌دار نبودن پژوهش‌های انجام شده در این مناطق، چندان که باید شناخته شده نیست (باریوسف، ۱۹۹۴: ۲۵۲). شکارچیان و گردآورندگان خوراک از نظر تعداد بسیار کم و بی‌نهایت پراکنده بوده‌اند. پژوهش‌های باستان‌شناختی و انسان‌شناختی این موضوع را تأیید می‌کند. بیشتر بر این عقیده هستند که تراکم جمعیت ۲ نفر در هر کیلومتر مربع برای مردمان شکارچی و گردآورنده تراکم بسیار بالایی بوده است (برایدوود^۱، ۲۳-۱۹۵۷: ۲۱). شاید تنها گروه‌های ماهیگیر که در کنار رودخانه‌ها بسر می‌بردند به دلیل دسترسی به منابع غذایی مطمئن‌تر از تراکم کمی بیشتری برخوردار بوده‌اند (اسمیت، ۱۹۸۶: ۱۲، ۱۳؛ نوراللهی، ۱۳۹۲: ۱۳۱). در واقع تراکم واقعی جمعیت، بسته به مناطق مختلف و نسبت به تغییرات آب و هوا، زیست‌جانوری منطقه و عوامل متعدد دیگر در میان جوامع مختلف شکارچی متنوع است. به همین دلیل نمی‌توان الگویی واحد برای این‌گونه جوامع پیشنهاد کرد. پژوهشگران میانگین تعداد افراد برای ۱۰۰۰ مایل مربع را ۳-۳۰ نفر برآورد کرده‌اند. به این معنی که یک گروه شکارچی احتمالاً شامل ۲۰-۲۵ نفر، و تعداد ۵۰ نفر بالاترین حد افزایش تراکم برای گروه‌های شکارچی بوده است؛ بنابراین هر گروه تقریباً از ۵ خانوار، که حدود ۲۵ نفر عضو آن بوده‌اند، پنج مرد بالغ می‌توانستند از عهده شکارهای بزرگ برآیند (پیگات^۲، ۳۲-۱۹۵۰: ۲۸). از سویی شیوه این جوامع شکارچی برای دستیابی به منابع غذایی شامل دنبال کردن و گردآوری غذاست. در این دوره تقسیم کار بسیار ساده و ابتدایی است. وجه مشخصه این گروه‌ها در واقع تأثیرپذیری از طبیعت بود و با تغییرات آب و هوایی مهاجرت می‌کردند، با حمله دشمن فرار کرده یا با کمبود مواد غذایی می‌مردند (هاوولی^۳، ۱۹۵۰: ۱۵۳). علاوه بر این عوامل دیگر نظیر درگیری بین گروه‌ها و بیماری و قحطی در مجموع، در جوامع پارینه‌سنگی و میان‌سنگی به‌ویژه در میان کودکان تلفات سنگینی را به بار می‌آورده است (جی پولا، ۱۳۸۵: ۸۱؛ باتس^۴، ۱۹۵۳: ۷۰۷). بدون شک

1. Braidwood
2. Piggott
3. Hawley
4. Bates

قوم باستان‌شناختی راه‌کارهای شکار حوزه ... _____ علی نوراللهی و همکاران

جمعیت در این دوران بسیار کم بوده، این جمعیت اندک نیز به اقتضای شرایط خود در گروه‌های کوچک به صورت منزوی و تقریباً بی‌ارتباط با گروه‌های دیگر می‌زیستند. این عامل سبب می‌شد که تکنولوژی و فناوری خیلی کند رشد کند، و جوامع دارای این شیوه معیشت همواره مجبور بودند، جمعیت خود را با منابع طبیعی تطابق دهند (هاوولی، ۱۹۵۰: ۱۰؛ لیتون، ۱۳۳۷: ۱۴۲). معیشت انسان‌های پارینه‌سنگی میانی و تا حدودی پارینه سنگی جدید بیشتر متکی بر شکار گزینشی علف‌خواران بزرگ جثه بود که بقایای آن‌ها در مکان‌های کاوش‌شده در غرب و جنوب زاگرس و همچنین در دیگر مناطق ایران یافت شده است (بیگلری، ۱۳۹۳). در شهرستان ایوان چندین پناهگاه صخره‌ای و غار در کوه بانکول و شیره زول شناسایی شد که مربوط به اواخر این دوره است، اما در سطح دشت و حاشیه گنگیر محوطه‌ای مربوط به این دوره یافت نشد.

با گذر از دوره شکار و استقرار در روستا ما شاهد افزایش وسعت استقرارها هستیم که در نتیجه تراکم جمعیت بوجود آمده اند. جارمو یکی از این روستاهای آغاز کشاورزی اولیه است که کاوش شده، براساس کاوش‌ها بقایای ۲۵ خانه به‌دست آمد که تقریباً دارای ۱۵۰ نفر جمعیت بوده است (ملارت^۱، ۱۹۶۵: ۱۲، ۴۷، ۵۰، ۸۱). در منطقه زاگرس مرکزی در فاز بزمرد (۸۰۰۰-۶۵۰۰ پ.م) بز و گوسفند اهلی شده بودند، ولی غزال، گورخر، گاو وحشی و خوک وحشی همچنان شکار می‌شد و از رودخانه میمه گربه‌ماهی و کپور صید می‌کردند (ملارت، ۱۹۷۵: ۷۴، ۷۵). علاوه‌بر این حیوانات نیز درصد کمی استخوان روباه قرمز به‌دست آمده است (درباره اقتصاد معیشتی ساکنان بزمرد بنگرید به ملک شهمیرزادی ۱۳۸۲: ۱۷۸؛ هول و همکاران، ۳۳۰-۲۶۲: ۱۹۶۹). این وضعیت در دوره‌های بعد نیز ادامه داشته و بخشی از نیاز خود به مواد غذایی را از راه شکار حیوانات تأمین می‌کرده، که نشان می‌دهد در این دوران افزایش جمعیت استفاده از منابع متعدد را می‌طلبیده است. هرچند افزایش زمین‌های زیر کشت و اهلی‌شدن گوسفند و بز در این مرحله تا حد زیادی از اتکا آن‌ها به منابع شکار کاسته است. براساس کاوش‌های صورت گرفته با پیشرفت فناوری‌های مربوط به کشاورزی و دامداری بشر توانست کنترل منابع غذایی خود را در دست گیرد. با اتکا به منابع کشاورزی و پرورش دام اشکال جدید معیشتی مبتنی بر استقرار در روستا و جوامع دامدار کوچ‌رو پا به عرصه گذاشتند. در کنار این شیوه‌ها شکار حیوانات وحشی همچنان ادامه داشت، اما کاهش

1. Mellaart

چشمگیری را نسبت به پیشتر نشان می‌دهد (رج. عبدی، ۲۸۵-۲۸۳:۲۰۰۲؛ پیرس^۱ و فریار^۲، ۱۹۷۵:۲۷۷). هیچ‌گاه ارتباط این جوامع که منتج از اهلی‌سازی گیاهان و حیوانات بوده باهم قطع نشده، دارای ارتباطی دو سویه و پیچیده بوده‌اند (هول، ۱۹۷۸:۱۳۴).

با افزایش جمعیت و نیاز بیشتر به مواد غذایی و کشاورزی با رشد فناوری در دوره اروک دیگر کشاورزی دیم نمی‌توانست، کفاف جمعیت روبه گسترش را بنماید در نتیجه استفاده از کانال‌های آبیاری سبب افزایش تولید و ذخیره‌سازی غلات گردیده که به دنبال آن نهادهای سازمان‌های مذهبی و دینی شکل گرفت. در واقع نخستین حکومت‌ها به وجود آمدند. شغل‌ها تا حدودی تخصصی شدند؛ بنابراین تنها پس چندین قرن از آغاز کشاورزی به شیوه آبیاری تعدادی از جوامع حاشیه‌ای در بین‌النهرین رشد و گسترش چشمگیری پیدا کردند (آدامز^۳، ۱۳۸۹:۳۳). در این دوره جمعیت شهری مانند اوروک که در ۳۸۰۰ پ.م. حدوداً ۱۰ هزار نفر بود، در ۲۰۰۰ ق.م. حدود ۵۰ هزار نفر رسید (ونک^۴، ۳۴۵-۱۹۹۰:۳۳۸). در این زمان نیز شوش مدت‌ها بود که به دوره شهرنشینی وارد شده بود. زاگرس مرکزی از این تحولات به دور نماند، چنان‌چه استقرار گودین تپه (دوره گودین III) به بیشینه خود رسیده است (طلایی^۵، ۱۳۸۵:۱۰۳). هیأتی کانادایی منطقه کنگاور را بررسی کردند که در طی این بررسی ۱۷۰ م محوطه متعلق به دوره شناسایی شد (یونگ^۶ و لوین^۶، ۱۱-۱۹۷۴:۱)، همچنین کاوش‌ها و بررسی‌های در دشت‌های میان‌کوهی استان ایلام و لرستان و داده‌های حاصل از کاوش‌های شوش و بین‌النهرین (هنریکسون، ۱۳۸۱؛ هنریکسون، ۱۹۸۲:۲۹۲) و بررسی‌های اخیر در دامنه‌های الوند (مترجم، ۱۳۸۷) دامنه گسترش این فرهنگ را تا حد بسیاری روشن ساخته و در دوره گودین III جمعیت کنگاور و مناطق همجوار روبه افزایش می‌گذارد (هنریکسون، ۱۳۸۱:۴۰۹). به نظر می‌رسد مردمان این دوره با افزایش جمعیت بخشی از منابع غذایی خود را از طریق شکار و صید ماهی از رودخانه‌ها تأمین می‌کرده‌اند. به طوری که استقرارهای مربوط به دوره آغاز نگارش شهرستان ایوان اغلب در کنار رود گنگیر واقع شده‌اند.

1. Pires
2. Ferreira
3. Adams
4. Wenke
5. Young
6. Levine

قوم باستان‌شناختی راه‌کارهای شکار حوزه ... _____ علی نوراللهی و همکاران

آگاهی ما از عصر آهن III-I این منطقه و مناطق هم‌جوار بیشتر از گورستان‌های کاوش شده توسط هیأت بامی است (هاینریک^۱ و اورلیت^۲، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴). در گورستان گلخنان مرده اشیاء تدفینی فراوانی از جمله دهنه آهنی اسب و سلاح‌های آهنی و مفرغی و تعداد زیادی ابزار سنگی شامل تیغه‌ها، تراشه‌ها و سنگ‌های مادر که برخی از آن‌ها سرتیرهای سنگی (شکل ۱۳) بودند به دست آمد (همان، ۱۹۹۹: ۱۷۵). مهم‌ترین یافته در رابطه با این نوشتار کاسه مفرغی کوچکی با صحنه شکار است که در گور شماره ۳۷ چم‌ژی مومه به دست آمده است (همان، ۱۹۹۸: ۲۵، ۲۹، ۳۷، ۳۸). شکل‌های ۵۸، ۵۹). در این دوران ما با ترکیب جمعیتی ناهم‌سانی روبه‌رو هستیم. از یک سو با جوامع کوچ‌پرو^۳ و از سوی دیگر با جوامع روستایی و شهرنشین مواجه می‌شویم، که بیشتر معیشت آن‌ها براساس کشاورزی و دامداری و احتمالاً بازرگانی با نواحی بین‌النهرین بوده که در منطقه ایوان‌تپه ترن‌نادری، تپه قلا‌ی‌زرنه و قلا‌ی‌نرگسی متعلق به دوره آشور نو هستند (وندن برگه^۴، ۱۹۸۰: ۳۲)، که به نظر می‌رسد ساکنان این محوطه‌ها دارای رابطه دوسویه‌ای با کوچ‌نشینان و جوامع دیگر این منطقه بوده‌اند. علاوه‌براین در حوزه گنگیر بیش از ۶۰ گورستان شناسایی شد که به احتمال زیاد متعلق به کوچ‌نشینان یا جوامع نیمه‌کوچ‌نشین است. از آن‌جا که تاکنون هیچ‌کدام از این گورستان‌ها یا محوطه‌های استقرار به طور کامل کاوش نشده نمی‌توان در مورد جمعیت این منطقه نظر داد که خود تابعی از عوامل مختلف است. در دوران تاریخی یعنی هخامنشیان تا دوره اسلامی و تا حاکمون شکار بیشتر جنبه تفریحی و تفننی پیدا کرده است. این بدان معنی نیست که در میان همه مناطق و قشرهای اجتماعی این دوران این وضعیت حاکم بوده، شکار همچنان به‌عنوان یک شیوه مکمل به حیات خود ادامه داده است. شیوه‌های شکار نیز به تبع تحولات فناوری نیز رشد کرده و کامل‌تر شده است.

۳- محدوده مورد مطالعه

شهرستان ایوان در شمال استان ایلام بین مدارها ۳۳°/۴۵ تا ۳۴°/۵۰ عرض شمالی و بین نصف‌النهارهای ۴۵°/۵۰ تا ۴۶°/۱۵ طول شرقی قرار دارد (شکل ۱). ایوان از طرف شمال شرقی و

1. Haerinck

2. Overlaet

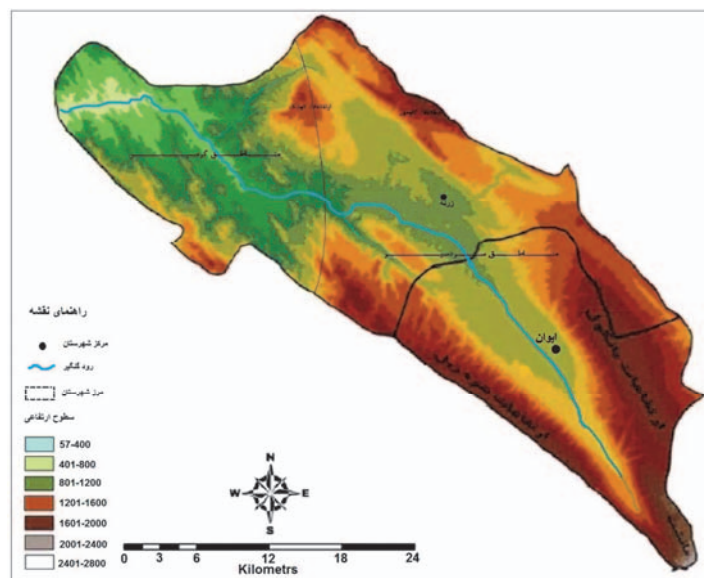
۳. هنریکسون و گاف معتقدند مردمان این فرهنگ دارای شیوه زندگی کوچ‌نشینی بوده‌اند (هنریکسون، ۱۹۸۶: ۲۱؛ گوف،

۱۹۷۱: ۱۴۹، ۱۵۰).

4. Vanden Bergheh

شرق به شهرستان شیروان چرداول، از شمال و شمال‌غربی به شهرستان گیلان‌غرب، از جنوب به بخش چوار شهرستان ایلام، از غرب به بخش سومار شهرستان قصرشیرین محدود می‌شود. ارتفاع متوسط ایوان از سطح دریا ۱۱۷۰ متر و مساحت حدود ۱۱۵۳ کیلومتر مربع است (پرهیزگاری و پرهیزگاری، ۱۳۸۲: ۱۸) (شکل ۲).

مردمان ساکن در این منطقه جزوی از ایل بزرگ کلهر به حساب می‌آیند و از دو طایفه چولک^۱ و بان سیری^۲ تشکیل شده که اغلب چادرنشین و به گله‌داری و زراعت مشغول هستند. از اواسط پاییز تا اوایل بهار دامداران و کوچ‌نشینان این ایل به نواحی کم ارتفاع‌تر یعنی بخش پلیه، سومار و حاشیه‌های رود گنگیر و مناطق جنوبی‌تر هم‌جوار کوچ می‌کنند و از اوایل بهار به بخش زرنه و ارتفاعات شیرپناه و شیره‌زول و بانکول بازمی‌گردند. مهم‌ترین کوه‌های این منطقه عبارت از مانیش، گاومهر، بانکول در شمال و شیره‌زول و شیرپناه و سورگیزی در جنوب و شمال‌غرب است.

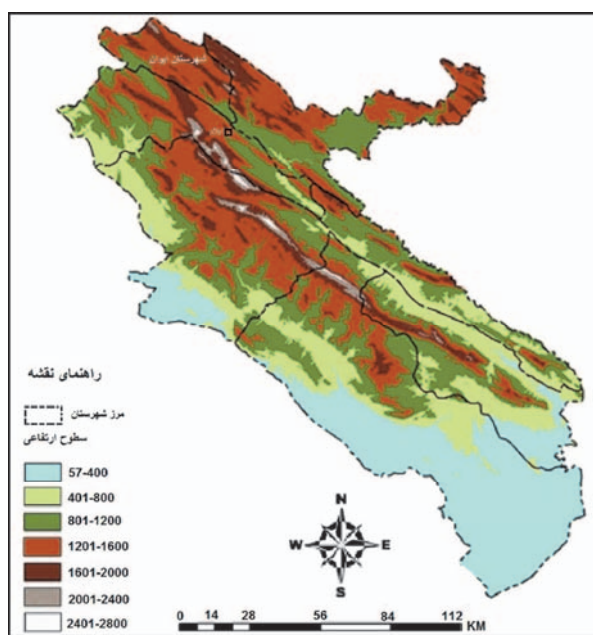


شکل ۱ نقشه استان ایلام و شهرستان‌های آن (ع. نوراللهی)

1. Cholak
2. Ban Siri

۴- اکولوژی

حوزه رود گنگیر در برگیرنده قسمت شمال و شمال‌غربی استان ایلام در غرب زاگرس مرکزی است. از نظر اقلیمی و آب و هوایی این منطقه به دو بخش سردسیر (بخش شرقی) و گرمسیر (بخش غربی) تقسیم می‌شود. می‌توان اذعان داشت تنها منطقه در غرب زاگرس مرکزی سردسیر و گرمسیر زیاد از هم دور نیست و کنار هم است (شکل ۳). منطقه سردسیر پوشیده از کوه‌های بلند از شمال‌غرب به جنوب‌شرق و به صورت دیواره‌ای به موازات هم کشیده شده است. رود گنگیر با شاخه‌های فرعی، پوشش نیزار و دشت‌های کوچک میان‌کوهی در میان این کوه‌ها وجود دارد که برای کشاورزی مناسب است. ارتفاع این کوه‌ها بیش از ۲۰۰۰ متر و دارای پوشش جنگلی (بلوط، زلزالک، پسته وحشی، آلبالوی وحشی و انجیر و...) است. مهاجرت حیوانات از گرمسیر به سردسیر و برعکس مانند کوچ‌نشینان از دو عامل اصلی دسترسی به منابع غذایی و چراگاه‌ها، احتراز از گرما و سرمای شدید ناشی می‌شود. (شکل ۲، جدول ۱)



شکل ۲ نقشه شهرستان ایوان و مناطق گرمسیری و سردسیری آن (ع. نوراللهی)

جدول ۱ بررسی تغییرات آب و هوا در مناطق گرمسیر و سردسیر شهرستان ایوان
(امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۴: ۴۴)

تغییرات آب و هوا	منطقه سردسیر	منطقه گرمسیر
آغاز سرما	اواسط مهر	اواخر آبان
آغاز بارندگی	اواسط مهر (باران پ.له، پیشت په له ^۱)	اواسط یا اواخر آبان
ریزش برف و یخبندان	اوایل آذر تا اواخر اسفند، اوایل فروردین	-
توقف باران	اواسط تا پایان خرداد	اواسط فروردین
آغاز گرما	حدود اواخر خرداد	حدود اواسط فروردین تا اوایل اردیبهشت
پایان گرما	اواسط مهر	اواسط تا اواخر آبان
مدت زمان بارش	۷ ماه	حدود ۴ ماه
مدت زمان خشکی هوا	۵ ماه	حدود ۸ ماه
کوچ از سردسیر به گرمسیر	اوایل مهر	-
کوچ از گرمسیر به سردسیر	-	اوایل تا اواسط فروردین



شکل ۳ نمایی از دشت ایوان (ع.نوراللهی)

قوم باستان‌شناختی راه‌کارهای شکار حوزه ... _____ علی نوراللهی و همکاران

۵- زیست جانوری، دلایل و روش‌های شکار

بیشترین اطلاعات درباره نحوه معیشت ساکنان زاگرس مرکزی در اواخر دوره پلیستوسن از کاوش‌های دره خرم‌آباد و غارهای منطقه کرمانشاه یافت شده است. فهرستی از حیوانات منطقه زاگرس مرکزی به شرح زیر بیان شده است.

۵-۱- پستانداران

- بز یا قوچ کوهی، گوزن قرمز، میش وحشی، گاو وحشی، گورخر، غزال، خوک وحشی، پلنگ.
 - پستانداران کوچک: خرگوش، روباه قرمز، گرجه وحشی، سمور، راسو، جوجه تیغی، گرگ، خرگوش بی‌دم، موش (کور، آبی)، خفاش.
 - پرندگان: کبک دری، کبک سیاه، غاز خاکستری، پرندگان آوازخوان.
 - خزندگان: لاک‌پشت، سوسمار، ماهی.
 - نامشخص
 - بی‌مهرگان: خرچنگ رودخانه، صدف، حلزون آب‌های شیرین (هول ۱۳۵۲: ۳۲-۳۳).
- انسان‌ها در دوران گذشته به دلایل غذا، دفاع از خود و یا تفریح و سرگرمی اقدام به شکار حیوانات می‌کردند. نقش برجسته طاق بستان در نزدیکی کرمانشاه نشان‌دهنده صحنه از شکارگوزن زرد است که احتمالاً منعکس‌کننده ورزش تفننی محبوب دوران ساسانی (مورتسن^۱، ۱۹۹۳: ۱۹۹) و دوره اسلامی است.
- چهار روش برای شکار براساس مطالعات انسان‌شناسی در دنیای شکار شناخته شده که عبارت است از:
- روش حمله ناگهانی به سمت حیوان، و مجبور کردن شکار به فضای تعریف شده‌ای که می‌تواند یک تله، پرتگاه و یا گوشه باشد که انسان بتواند کشتن حیوان را انجام دهد.
 - روش کمین
 - روش تله
 - روش استتار^۲

1. Mortesen

2. <http://iranparineh.persianblog.ir/tag>

هر حیوانی یا گونه‌ای با توجه به شرایط و عادات زیستی که دارد در جای خاصی زندگی می‌کند؛ بنابراین شکارچیان به دلیل سال‌ها تجربه نسل به نسل و همچنین تجارب شخصی به درستی با روش شکار پرندگان و پستانداران آشنا بوده و به فراخور از شیوه و وسیله خاص آن نوع شکار بهره می‌گیرند.

۶- ابزار شکار

برای شکار در گذشته از قلماسنگ (شکل ۴)، قلاب سنگ، دام‌گذاری، تیر و کمان، نیزه، کمند، پرت کردن از کوهستان، روش جرگه، روش کمین، استتار و نزدیک شدن به شکار، تفنگ، بهره می‌بردند، همچنین در این منطقه از حیوانات و پرندگانی مانند سگ (شکل ۵)، اسب^۱ (شکل ۱۱)، کبک شکارچی و شاهین برای تعقیب، جذب و گرفتن شکار استفاده می‌کردند.



شکل ۴ قلماسنگ یا فلاخن (مورتنسن، ۲۰۳:۱۹۹۳)

۱. یک لگام مفرغی - آهنی از گور شماره ۸۰ گل خنان مرده (هیرینک و اورلیت، ۱۷۰:۱۹۹۹) و یک نمونه دیگر در پشتکوه که یک لگام آهنی با قطعاتی از فک حیوان از گور شماره ۱۵۰ ورکبود است (وندن و برگه، ۲۶۲:۱۹۸۷).



شکل ۵ سگ‌شکاری تازی (تانجی) در گرمسیر ایوان (ع. نوراللهی)

۷- شیوه‌های شکار پرندگان و شکارهای بزرگ چنه

۷-۱- شکار کبک

شکار کبک در منطقه ایوان در چند زمان مختلف صورت می‌گیرد. مرحله اول: این مرحله در منطقه به «شره‌بق»^۱ موسوم است. از ۱۵ اسفند تا ۱۵ اردیبهشت هر سال ادامه دارد. کبک نر دست‌آموز را در داخل قفس در محل در زیستگاه کبک‌ها روی سنگ یا شاخه درختی قرار می‌دهند، با آغاز آوازخواندن کبکی که برای شکار و جمع‌کردن سایر کبک‌ها تربیت‌شده سایر کبک‌های آن محدوده که صدای آن را می‌شنوند، برای حفاظت از قلمروی خود و دور کردن او حمله می‌کنند. شکارچی که در نزدیکی آن مکان کمین کرده این کبک‌ها شکار می‌کند.

مرحله دوم: از ۲۵ اردیبهشت تا ۱۵ خرداد و به چیل کر^۲ موسوم است. در این فاصله زمانی که زمان تخم‌گذاری کبک ماده که روی تخم‌ها می‌خوابد تا تخم‌ها به جوجه تبدیل شوند،

1. Sharabagh
2. Chileker

فصل جفت‌گیری تمام شده و کبک نر سرگردان در محدوده خود پرسه می‌زند، شکارچیان برای جلب این کبک‌های نر سرگردان کبک‌های ماده را در محلی که بر محیط اطراف احاطه دارد قرار می‌دهند. در زمانی که کبک ماده شروع به آواز می‌کند، کبک‌های نر برای جفت‌گیری و جلب نظر به سمت محل آواز کبک ماده آمده و دور او جمع می‌شوند. شکارچی در این زمان این کبک‌های سرگردان را هدف قرار می‌دهد. زمان شروع شکار کبک رابطه مستقیمی با ویژگی آب‌هوایی مناطق مختلف دارد. این زمان شکار ابتدا از منطقه گرمسیر شروع می‌شود. با اتمام زمان شکار در این منطقه به تدریج در مناطق مرتفع‌تر و سردسیری آغاز می‌شود.

۲-۷- چگونگی تربیت کبک نر برای شکار در منطقه

در تمام مناطق غرب زاگرس مرکزی شیوه پرورش و آماده کردن کبک نر برای شکار تقریباً به یک شیوه انجام می‌گیرد. شکارچیان از اوایل بهمن شروع به سبزی دادن به کبک نر می‌کنند تا میل به جفت‌گیری و مبارزه برای یافتن جفت در او ایجاد شود. نشانه این امر در کبک نر ایجاد حلقه قرمزی در اطراف و دور چشم کبک است. در اصطلاح شکارچیان کبک مست و به فیکه^۱ می‌آید و در این مدت گیاهی به نام جواشیر^۲ به کبک می‌دهند و هر پنج روز شن نرم در فضای روشن و آفتاب‌گیر در بیرون می‌دهند؛ سپس کبک را داخل اتاق یا فضای تاریک بازمی‌گردانند. برای آماده کردن کبک ماده برای شکار از روشی که پیشتر گفته شد استفاده نمی‌کنند، زیرا سبزی برای کبک ماده مضر بوده ممکن است سبب مرگش شود. معمولاً شکارچیان دو کبک نر را که از جوجگی پرورش داده‌اند برای شکار تربیت می‌کنند، زیرا هنگام شکار پیوسته آواز می‌خوانند و خسته نمی‌شوند.

۳-۷- زمان و شیوه‌های مختلف شکار کبک

شکارچی پیش از طلوع آفتاب و زمان تاریکی باید در کمین خود مستقر شده باشد، کمین‌گاه را آماده و قفس کبک دست‌آموز را جاسازی کند. در تاریکی صبح کبک‌ها به پرواز در می‌آیند و شروع به خواندن می‌کنند و از ارتفاعات به دامنه‌ها می‌آیند؛ بنابراین بهترین زمان برای شکار

1. Fika
2. Javashir

قوم باستان‌شناختی راه‌کارهای شکار حوزه ... _____ علی نوراللهی و همکاران

کبک تا حدود ساعت ۱۰ صبح است. آغاز شکار کبک که از گرمسیر شروع می‌شود و به سمت مناطق سردسیری و مرتفع ادامه می‌یابد، حدوداً سه ماه به طول می‌انجامد.

در فصل پاییز کبک‌های ماده و نر به همراه جوجه‌هایشان از مناطق سردسیر به گرمسیر کوچ می‌کنند. از اول اسفند از گرمسیر به سوی مناطق سردسیر می‌روند (تقریباً هم‌زمان با کوچ عشایر کلهر، ن.ک به جدول ۱) هر کدام از این گله‌ها به مناطقی که در آن به دنیا آمده‌اند و قلمروی آن‌ها محسوب می‌شود بازمی‌گردند.

۷-۴- کُل یا کمین‌گاه

در اواسط تابستان تا اواسط پاییز با گرم‌شدن هوا و پیش از اولین باران (پَه‌له) در منطقه، سحرگاه پیش از طلوع آفتاب که در منطقه به پیلگ یا لیلگ^۱، همچنین نزدیک غروب آفتاب کبک‌ها و دیگر پرندگان (کبوتر چاهی، کبوتر غار (برجی)، تیهو، یاکریم و گاو کبوتر) جهت خوردن آب به این چشمه‌ها یا برکه‌های آب کوچک کوهستانی می‌آیند که آب آنها مانده و سبزرنگ است. شکارچیان در ده متری این گونه محل‌ها با شاخ و برگ درختان بلوط و سنگ کمین‌گاهی ساخته و هنگام ورود دسته جمعی پرندگان که برای آب خوردن در این جاها فرود می‌آیند با تفنگ ساچمه‌زنی شکار می‌کنند (شکل ۶).



شکل ۶ شکار کبک و پرندگان در گرمسیر ایوان (ع. نوراللهی)

1. Pileg, lileg

۷-۵- دیوجامه

در پاییز و بهار از این وسیله استفاده می‌کنند. دیو جامه تکه پارچه سفیدرنگی به اندازه $۱/۵ \times ۲$ متر است که اشکال مختلف حیوانات و گل‌های تزئینی درست شده از پارچه‌های دیگر به‌ویژه پارچه سیاه به اشکال متنوع روی آن پارچه سفید می‌دوزند و روی دو چوب (نی) ضرب دری که نقطه تقاطع آن نقش دستگیره شکارچی را دارد (شکل ۸) مانند تابلویی دیدنی علم می‌کنند و محل دید دو چشم و سوراخی برای عبور لوله تفنگ در آن تعبیه می‌کنند، سپس در پشت آن کمین کرده و شروع به حرکت می‌کنند. حرکت با دیوجامه به شکل خاصی انجام می‌گیرد. در حالی که در سوراخ‌هایی که جهت دید تعبیه شده‌اند به دقت اطراف را زیر نظر دارند در فاصله زمانی هر بیست قدم در حالی که قدم‌ها را به طور کامل برمی‌دارند که به سنگ‌ها و بوته‌ها نخورد و ایجاد صدا نکند تا کبک‌ها متوجه نشوند، می‌ایستند تا محل کبک‌ها را شناسایی کنند. معمولاً از دیوجامه هنگام شکار کبک و بز کوهی در قله‌ها به دامنه و برعکس استفاده می‌شود (شکل ۷).



شکل ۷ دیوجامه و روش کاربرد آن (ع. نوراللهی).

قوم باستان‌شناختی راه‌کارهای شکار حوزه ... _____ علی نوراللهی و همکاران

مناسب‌ترین زمان برای استفاده از دیوجامه اواسط پاییز به بعد و اواسط بهار است که باران نرم زمین را مرطوب کرده باشد، به طوری که کبک‌ها با دیدن دیوجامه برای پناه گرفتن از باران به سوی آن می‌آیند. شکارچی این موقع از منفذ ایجاد شده در دیوجامه برای تفنگ به آن‌ها شلیک می‌کند (شکل ۸). درواقع این وسیله مانع دیده شدن شکارچی توسط شکار می‌شود. از این روش برای شکار بزکوهی و گوزن در گذشته نیز استفاده می‌شده است.



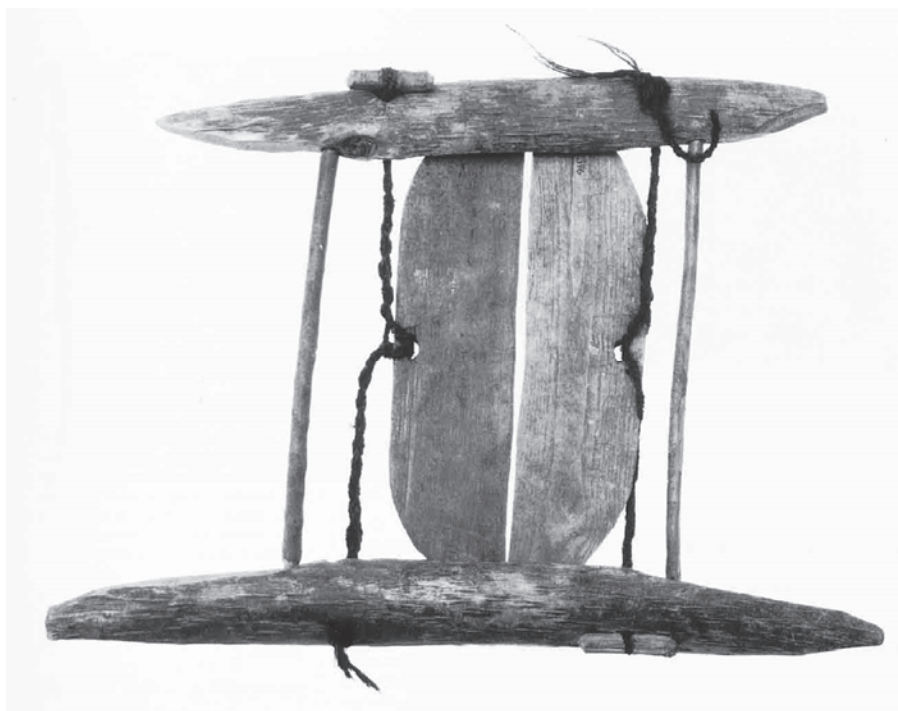
شکل ۸ ساختار دیوجامه و روش گرفتن آن (ع. نوراللهی).

۶-۷- بره‌رهت^۱

از این وسیله شکار کبک در زمان مهاجرت کبک‌ها استفاده می‌کنند. بره‌رهت شامل دو تخته چوب که به وسیله رشته کش لاستیکی یا بند موپین (موی بز) ساخته شده است. آن را بر چاله‌ای به عمق نیم‌متر مانند در قرار می‌دهند. زمانی که مهاجرت کبک‌ها از گرمسیر به سوی

1. Bararat

سردسیر آغاز می‌شود، در مسیرهای گذر کبک‌ها توسط شکارچیان قرار داده و دور آن را با چوب می‌پوشانند. تنها یک راه برای عبور کبک باز می‌گذارند. زمانی که کبک از روی دام عبور می‌کند فشار پای کبک سبب باز شدن درب چوبی به سمت پایین شده و کبک در داخل چاله افتاده و کش‌های موئین سریع به حالت اول برگشته و در چاله بسته می‌شود. معمولاً دام‌گذاران این نوع دام را در چند جای دامنه قرار می‌دهند، زیرا کبک به دلیل این‌که ماهیچه‌های پروازیش تکامل نیافته و قادر به پروازهای طولانی نیست، در نتیجه این مسیر مهاجرت را از گرمسیر به سردسیر به صورت مقطع پرواز می‌کند و بخشی از مسیر را با پا طی می‌کند. هنگام احساس خطر کمتر پرواز می‌کند و بیشتر از سمت دامنه به سربالایی کوهستان می‌دود (شکل ۹، ۱۰-ا).



شکل ۹ شکل یک بهره‌رست و جزئیات آن (مورتنسن، ۱۹۹۳: ۲۰۱)

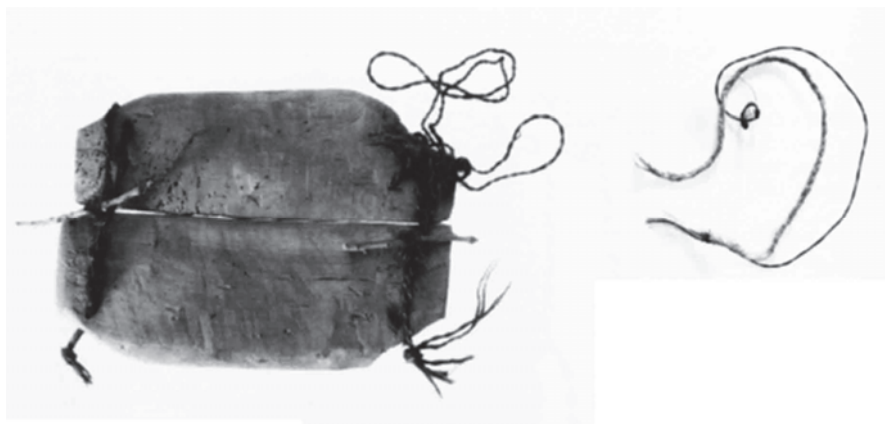
قوم باستان‌شناختی راه‌کارهای شکار حوزه ... _____ علی نوراللهی و همکاران

۷-۷- برتله^۱

از این روش معمولاً در زمستان برای شکار کبک و سایر پرندگان استفاده می‌شده است. ابتدا چاله‌ای به عمق حدود ۳۰ سانتی‌متر می‌کنند، مقداری ساقه خشک‌شده گیاه یا خاک نرم را کف آن پهن کرده و مقداری دانه روی آن ریخته، بعد تخته سنگی با ضخامت نازک به طور مورب روی آن قرار می‌دادند که با سه تکه چوب مهار شده بود به طوری که در اثر ورود پرنده به چاله با کوچک‌ترین برخورد با یکی از این چوب‌ها تخته سنگ به سرعت بر چاله می‌افتاد و پرنده را در چاله گرفتار می‌ساخت.

۷-۸- دام

این وسیله معمولاً در فصل بهار برای زنده‌گیری کبک مورد استفاده قرار می‌گیرد. از موی دم اسب یا پشم گوسفند تهیه می‌شد. آن را طوری می‌سازند که چندین حلقه یا دام را کنار هم به وجود می‌ورد، هنگام ورود کبک به لانه و راه رفتش از روی آن پای کبک در یکی از حلقه‌ها گیر کرده و محکم می‌شود، چنان‌چه کبک برای خلاص شدن و رهایی تلاش کند محکم‌تر شده و بیشتر گرفتار می‌شود. صبح روز بعد دام گذار به سراغ دام آمده و کبک را می‌گیرد (شکل ۱۰-الف)



شکل ۱۰ الف- دام و تصویر، ب- نوعی دیگر از برره ت با جزئیات (مورتنسن، ۱۹۹۳: ۲۰۲)

۷-۹- شودام^۱

در پاییز و بهار شب هنگام که هوا ابری و باران ریزی در حال بارش است. معمولاً دو شکارچی به وسیله نور چراغی سه طرف شیشه را می‌پوشانند و یک سمت آن را آزاد می‌گذارند تا نور به صورت متمرکز به سمت جلو بتابد. پس از آن در مسیر سنگلاخ و درختان پنهان می‌شوند و نور چراغ را به محل گله کبک‌ها می‌اندازند، زمانی که نور به کبک‌ها می‌خورد کبک‌ها محو چراغ گشته و نسبت به اطراف بی‌توجه می‌شوند. در آن هنگام شخص چراغ به دست یکی یکی کبک‌ها را گرفته و به نفر پشت سری داده و او هم آن‌ها را در کیسه‌ای می‌اندازد.

۷-۱۰- هوازی

این روش معمولاً توسط افرادی که در هوازی مهارت دارند و می‌توانند به هنگام پرواز شکار را هدف قرار دهند، انجام می‌شود.

۷-۱۱- کوراو^۲

این روش در فصل زمستان که برف زیادی می‌بارد و درختان و سنگ‌ها را می‌پوشاند. در این زمان همه جا یک‌دست سفید به نظر می‌رسد. در این زمان معمولاً کبک‌ها و سایر پرندگان یک‌جا جمع می‌شوند. به سبب بارش برف و خیس شدن پرهای این پرندگان قادر به پرواز در مسافت طولانی نیستند و زود خسته می‌شوند. در این هنگام این پرندگان سر خود را زیر برف فرو می‌برند. شکارچیان با یافتن محل این پرندگان به راحتی آن‌ها را زنده‌گیری می‌کنند.

۷-۱۲- کلاه روباه

کلاه روباه (کلاو ره‌وی^۳)، نقابی است که از نمد یا پوست روباه ساخته می‌شود. شکارچی هنگام نزدیک شدن به دسته کبک‌ها آن را بر سر خود گذاشته و پشت سنگ به گونه‌ایی می‌ایستد که کبک‌ها

1. Shovdam
2. KawRav
3. KelavRovi

قوم باستان‌شناختی راه‌کارهای شکار حوزه ... _____ علی نوراللهی و همکاران

تنها نقاب را ببینند. وقتی کبک‌ها کلاوره‌وی را ببینند با صدایی که به آن (جراندن- جری کردن) می‌گویند به طرف شکارچی می‌روند و معمولاً روی سنگی جمع می‌شوند و شکارچی در فرصت معینی شلیک و آنها را شکار می‌کند. به این نوع شکار کلاو ره وی می‌گویند.

چگونگی انتخاب کبک نر برای شکار

کبک نری برای شکار و جذب دیگر کبک‌ها استفاده می‌شود از لحاظ ظاهری دارای ویژگی‌هایی است. این ویژگی‌ها به شرح زیر است.
کله و سر بزرگ، پای کوتاه، نوک کوتاه، صدا و آواز قوی، توانایی زیاد پوشش‌دهی محیط، و زود حسته نشدن.

۸- شیوه شکار دراج، کبوتر کوهی و تیهو

از دیگر پرندگانی که در این منطقه شکار می‌شوند می‌توان به دراج، کبوتر کوهی و تیهو اشاره کرد که معمولاً شکار این پرندگان با دیوجامه که وسیله‌ای استتاری است، در بهار و اواخر پاییز انجام می‌گیرد. در تابستان مناطق گرمسیری برای شکار این پرندگان از روش کمین کردن نزدیک چشمه‌ها استفاده می‌شود، زیرا به دلیل خشکی هوا و کمبود بارش دیگر منابع آب خشک می‌شوند. این حیوانات در مواقعی از روز برای نوشیدن آب کنار این چشمه‌ها می‌آیند. در این هنگام شکارچی در کمین‌گاه (کُل) که از پیش تدارک دیده و کمین کرده است، اقدام به شکار می‌کند. شکار دراج در میان شکارچیان ایل کلهر و ایل خزل در منطقه شیروان چرداول با سگ نیز صورت می‌گیرد. در نواحی مجاور از قلماسنگ برای شکار پرندگان نیز استفاده می‌کرده‌اند که مستلزم مهارت زیادی بوده، ولی در این منطقه استفاده نمی‌شود.

۹- شکار پرندگان مهاجر

رود گنگیر و نیزارهای اطراف آن هر ساله بخشی از پرندگان مهاجر که برای گذران زمستان به تالاب‌های استان خوزستان و نواحی گرمسیر می‌روند را به خود جلب می‌کند. این روند سالیانه فرصتی در اختیار شکارچیان قرار می‌دهد. تا به شکار این پرندگان بپردازند. شکار مرغابی و غاز در دو موقع شب تار و روز هنگام انجام می‌شده است. در شب‌های تار که پرندگان در

کنار نیزارها استراحت می کردند، در تاریکی شکارچیان اقدام به شکار می کردند، بدین صورت که با استتار و بی صدا به پرندگان در حال استراحت نزدیک شده و آنها را زنده می گرفتند. روش دیگر در طول روز در میان نیزارها پنهان می شدند و هنگامی که این پرندگان در تیر رس قرار می گرفتند شکار می شدند.

روش دیگر هوازنی با تفنگ‌های شکاری است. استخوان این پرندگان در میان بقایای استخوانی «غار یافته» کشف شده (هول: ۳۶: ۱۳۵۲) که نشان می‌دهد شکار این پرندگان بین ماه‌های آذر تا اوایل فروردین در دوره فراپارینه‌سنگی صورت می‌گرفته است. امروزه نیز در این زمان‌ها این پرندگان به این منطقه می‌آیند و شکار می‌شوند.

۹-۱- شکار عقاب (دال)، هما

این دو پرنده شکاری به ندرت شکار می‌شوند. شکار آنها برای تهیه نوعی ساز بادی مشهور به «جفتان یا دوزله» صورت می‌گرفت. برای ساخت از استخوان بال این پرندگان استفاده می‌شود. این پرندگان را معمولاً با استفاده از تور شکار و دام‌گذاری شکار می‌کردند.

۹-۱- شکار گوزن و آهو

از حیوانات بومی منطقه بوده که در گذشته مورد توجه شکارچیان بوده اند. محل زیست این دو حیوان در کوه‌های بانکول، مانیش، شیرپناه و شیره زول بوده است. در این منطقه به گفته معمرین شکار گوزن و آهو به دو روش کمین کردن و زخمی کردن سپس تعقیب کردن و روش دوم تعقیب و شکار با اسب و سگ صورت می‌گرفته، همچنین در منابع تاریخی به شکار آهو توسط خلفای عباسی در این منطقه اشاره شده است (یعقوبی، ج ۲، ۱۳۵۶: ۴۰۱).

۹-۲- شکار خز

سیاوله^۱ یا خز که برای پوست آن شکار می‌شد. این حیوان معمولاً در مناطق جنگلی و مرتفع در شیره زول و شیر پناه و کبیرکوه زندگی می‌کرده است. ابتدا لانه را پیدا کرده، با حفر لانه حیوان را زنده می‌گرفتند.

1. Siavla

قوم باستان‌شناختی راه‌کارهای شکار حوزه ... _____ علی نوراللهی و همکاران

روش دیگر استفاده از تله‌های سنگی و فلزی ساخت‌شده از طناب بوده است.

۹-۳- شکار روباه

شکار روباه جهت پوست و دم آن برای تهیه کلاه‌های مرغوب کاربرد داشته است. شکارچیان روباه را شکار می‌کردند، پوست آن را کنده و خشک می‌کردند. در زمان شکار کبک و هنگام نزدیک‌شدن به گله آن را می‌پوشیدند. این شیوه شکار یعنی پوشیدن پوست حیوان برای شکار حیوان دیگر نوعی استتار است که قدمت آن به دوران پیش از نوسنگی بازمی‌گردد.

۹-۴- شکار کل و بزکوهی

فصل این شکار از ۱۵ یا ۲۱ آذر به مدت دو هفته که زمان جفت‌گیری کل، و به کله‌هرز^۱ موسوم است. معمولاً گروه‌های شکارچی در دسته‌های دو یا چند نفره با تفنگ‌های دوزن در محلی بنام جاسوسگه^۲ یا در مسیر آمد و شد کل و بزهای کوهی کمین می‌کردند. شکار به نوعی به روش جرگه محسوب می‌شود (ملک شهمیرزادی، ۱۳۷۴). معمولاً افرادی توانمند و دارای مهارت در صخره‌نوردی و ردگیری شکار موسوم به تاشه‌وان^۳ و شون‌بر^۴ این گروه‌های شکار را همراهی می‌کنند. این افراد با رم‌دادن و مجبورکردن بزهای کوهی به مکان‌های صعب‌العبور و راه‌های تنگ کوهستانی آن‌ها را به نقطه شکارچیان هدایت می‌کنند. معمولاً شکارچیان زنگوله یا وسیله‌ای با خود همراه دارند تا هنگام شکار بزکوهی دیگر شکارچیان را خبر کرده و اقدام به کندن و قطعه کردن لاشه شکار کنند. شکار کل و بز و به طور کل حیوانات بزرگ معمولاً چند روز طول می‌کشد. شکارچیان حیوانات ماده، آبستن و ماده‌هایی که بره دارند را شکار نمی‌کنند، و اغلب نرها را برای شکار انتخاب می‌کردند.

تعقیب و گریز روشی دیگر برای شکار کل و بزکوهی بوده که به سه شیوه صورت می‌گرفته است. یکی با تعقیب توسط شکارچی به صورت دویدن و خسته‌کردن شکار

1. Kallaharz

2. Jasosege

3. Tashavan

4. Shonbar

همراه سگ. دومین شیوه سوار بر اسب به تعقیب شکار می‌پرداختند و شکار را خسته کرده و بعد می‌کشتند. استتار و کمین با استفاده از دیوجامه روش دیگر در کوهستان بوده است (شکل ۱۱).



شکل ۱۱ صحنه‌های شکار سواره با نیزه و تنگ بر سنگ قبرها (فرزین، ۱۳۸۴: ۶۴؛ مورتسن، ۱۹۹۳: ۱۴۳)

۹-۵- شکار خرگوش و گراز

خرگوش و گراز با استفاده از سگ تازی شکار می‌شد. شکار گراز به دلیل مسائل اعتقادی در منطقه به ندرت اتفاق می‌افتاد. گراز را در کوه‌ها به روش گریز و تعقیب همراه با سگ شکارچی شکار می‌کردند. در گذشته به روش رم‌دادن در دشت‌ها و تعقیب آنها با اسب و سگ انجام می‌شد. شیوه رم‌دادن گراز و گوزن، تعقیب و شکار به وسیله سوار کاران بر بشقاب‌های دوره ساسانی و حجاری تاق بستان به خوبی نمایش داده شده است.

قوم باستان‌شناختی راه‌کارهای شکار حوزه ... _____ علی نوراللهی و همکاران

۹-۶- شکار گرگ، خرس و پلنگ

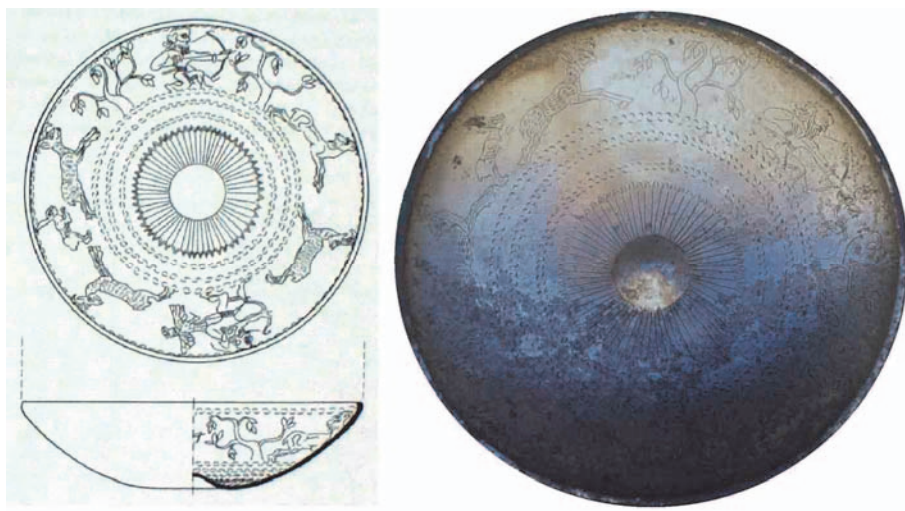
این حیوانات خیلی کم و جز در موارد مزاحمت برای دام‌های دامداران شکار می‌کردند. پلنگ در گذشته بیشتر برای پوست آن، همچنین برای جلوگیری از حمله به آغل دام‌ها و کوچ‌نشینان شکار می‌شد. برای شکار پلنگ علاوه بر کمین‌گذاری، تله‌ها ایجاد می‌کردند. ابتدا با تخته سنگ‌های خشک‌چین اتاقکی دایره‌ای ساخته که فقط یک در ورودی کوچک در آن تعبیه شده بود. تکه‌ای گوشت آویزان به طناب به عنوان طعمه طوری تعبیه شده بود که تخته‌سنگ و دیوارها در زمان کشیدن گوشت رویش فرومی‌ریخت که در نهایت گرفتار یا کشته می‌شد. بنابر اعتقاد شکارچیان سبیل‌های پلنگ را نباید آتش زد، چرا که دارای نیرویی است که در صورت توهین آه پلنگ شکارچی و خانواده‌اش گرفتار خواهند شد. شکارچیان می‌گویند پلنگ دارای شرم حیا است، به این دلیل از روبه‌رو به انسان حمله نمی‌کند. هنگام روبه‌رو شدن با پلنگ در کوهستان نباید فرار کرد و باید به آن زل زد. برخی از معمرین می‌گفتند در قدیم صورتکی پشت سر نصب می‌کرده‌اند تا مانع از حمله و شکار شدن توسط پلنگ شوند.

۹-۷- شکار شیر

شکار شیر بیشتر برای تفریح و سرگرمی به‌ویژه ورزش شاهان بوده است. شیر ایرانی در جنگل‌های بلوط زاگرس و در کرانه‌های رودخانه‌های خوزستان زندگی می‌کرده است. نقش و تصویر شیر در ایران دارای سابقه‌ای کهن، بر اشیاء بسیاری نقش شده و در تزئین کاخ‌ها، آرامگاه‌ها و معابد متعلق به هزاره سوم پ.م. به کار رفته است. نقوش برجسته این حیوان بخش مهمی از تزئینات کاخ‌های هخامنشیان (سده ششم تا چهارم پ.م.) را دربرمی‌گرفت. شاهان در نقش برجسته‌های ساسانی خود را در نبرد با شیر تجسم کرده‌اند. تا اواخر قرن پیش شکار شیر از شکارهای هیجان‌انگیز و سرگرم‌کننده شاهان و خوانین بوده است (مورتنسن، ۱۹۹۳: ۱۹۹).

۱۰- شکار با استفاده از پرنده شکاری

امروزه در منطقه حوزه رود گنگیر از پرنده شکاری باز یا شاهین برای تعقیب یا شکار استفاده نمی‌شود. براساس مدارک باستان‌شناسی در عصر آهن III در گور شماره ۳۷ چمژی مومه یک کاسه مفرغی با صحنه شکار یافت شده است (هیرینک و اورلیت، ۱۹۹۸: ۲۹، ۵۸). شکل‌های (۵۹، ۵۸) که می‌تواند تا حدودی وضعیت شکار در این دوره را روشن کند. صحنه شکارچی در حال تیر انداختن به بزکوهی را نشان می‌دهد، در قسمت دیگر ظرف پرنده شکاری در حال تعقیب دو رأس بز کوهی با خرگوشی در بین آن‌هاست، در بخش دیگر ظرف شکارچی با کمان کشیده شده در بین دو درخت کمین کرده است. این صحنه‌ها بر گرفته از زندگی مردمان بومی منطقه و الهام گرفته از زیست بوم منطقه است (شکل ۱۲).



شکل ۱۲ کاسه مفرغی با صحنه شکار یافت شده در قبر شماره ۳۷ چمژی مومه (هایرینک و اورلیت، ۱۹۹۸: ۲۹، ۵۸). شکل (۵۹، ۵۸)



شکل ۱۳ تعدادی از سرتیرهای سنگی یافت‌شده در چمژی مومه
(هایرنیک و اوورلیت، پی. ال. ۴۹ سی: ۱۹۹۸)

۱۱- مراسم شکار رسمی

در میان ایل کلهر و سایر ایلات با سور و سات انجام می‌شد، معمولاً این نوع شکار نوعی فخرفروشی و نشان دادن قدرت رزمی و همچنین نوعی تمرین نظامی محسوب می‌شد که در حضور سران و خان‌های سایر ایل‌ها انجام می‌شد، در این نوع شکارها که جنبه رسمی داشت تعداد زیادی کل و بز و گوزن شکار می‌شد. معمولاً پس از این گونه شکارها شاخ گوزن و بزهای کوهی را به‌عنوان تزیین بر مساکن‌شان نصب می‌کردند. این نوع شکار با اسب انجام می‌شده است (مورتسن، ۱۹۹۳: ۱۱۴، ۱۱۷، شکل‌های ۶، ۵۳).

۱۲- محدوده و مدیریت شکار

در این بخش زاگرس مرکزی که مسکن ایل‌های کلهر، خزل، ملکشاهی، ارکوازی، شوهان، میشخاص، کرد، دوستان، هینی‌مینی و ایل‌های کوچک‌تر دیگر است. مهم‌ترین این ایل‌ها خزل، کلهر و ملکشاهی است. این سه ایل در قرن گذشته بارها باهم درگیر شده یا علیه دیگری با ایل دیگر پیمان بسته‌اند. این ایل‌ها دارای محدوده و قلمرو اختصاصی به خود هستند که شامل مرتع، جنگل، سردسیر و گرمسیر می‌شود که دیگر ایل‌ها یا احشام آن‌ها حق ورود به

این نواحی را نداشتند. چنانچه به این قلمرو بدون اجازه وارد می‌شدند، اغلب این احشام ضبط می‌شدند. عدم رعایت حدودهای تعیین شده ایلی که با سنگچین مشخص شده بود، اغلب سبب خشونت‌ها و جنگ‌های دائمی بین ایلات می‌شد. این مسئله در مورد شکار در قلمرو ایل نیز رعایت می‌شد. فقط افراد ایل کلهر می‌توانستند در محدوده متعلق به خود به شکار پرنده و حیوانات بپردازند و هر طایفه نیز قلمروی تعیین شده‌ای داشت که مسائل یادشده در آن به شدت رعایت می‌شد. این محدوده و قلمرو چون با گفتگو و مذاکره سران ایلات تعیین می‌شد، افراد ایل یا ایل‌های همسایه بسیار آن را محترم دانسته و آن را رعایت می‌کردند. این عامل در کنار شکار به اندازه نیاز از گذشته‌های دور تا یک قرن پیش مانع از انقراض بسیاری از حیوانات شده بود، در حالی که پس از سرکوب شدید این ایل‌ها توسط قوای رضاخان خوانین قدرت سنتی خود را از دست دادند. دیگر نهادی برای حفاظت از این منابع وجود نداشت. این عامل سبب انقراض بسیاری از این گونه‌ها شد.

۱۳- نتیجه‌گیری

شکار یکی از شیوه‌های معیشتی بوده که انسان در بدو پیدایش با آن آشنا شده و در طی دوران‌های مختلف آن را کامل کرده است. شکار به دلایل مختلفی صورت می‌گرفت که مهم‌ترین آنها تهیه غذا بوده است. همین عامل در طی هزاران سال مانع از گسترش اجتماعات انسانی شده بود. به طوری که ازدیاد جمعیت در کنار سایر عوامل از جمله تجربه فراوانی که از شیوه زیست جانوران و گیاهان کسب کرده بود، در حدود نه هزار سال پیش منجر به برداشتن نخستین گام‌ها برای اهلی‌سازی حیوانات و گیاهان شد. شکار اهمیت سابق خود را از دست داد و شیوه معیشتی کشاورزی و دامداری جای آن را گرفت. در این دوران شکار به صورت شیوه‌ای مکمل بخشی از نیاز این جوامع را به پروتئین برطرف می‌کرد. بخشی از ابزارها و مواد فرهنگی که در کاوش‌های باستان‌شناسی به دست می‌آیند را می‌توان با موضوع شکار مرتبط دانست. از طرف دیگر بسیاری از راه‌کارها، روش‌ها و ابزارهایی که شکارچیان با آن اقدام به شکار می‌کردند چون از مواد ناپایداری چون چوب و موی بز یا دم اسب ساخته می‌شدند، در کاوش‌های باستان‌شناسی یافت نمی‌شوند. براساس ویژگی سلاح‌ها و برخی ابزارهای شکار که

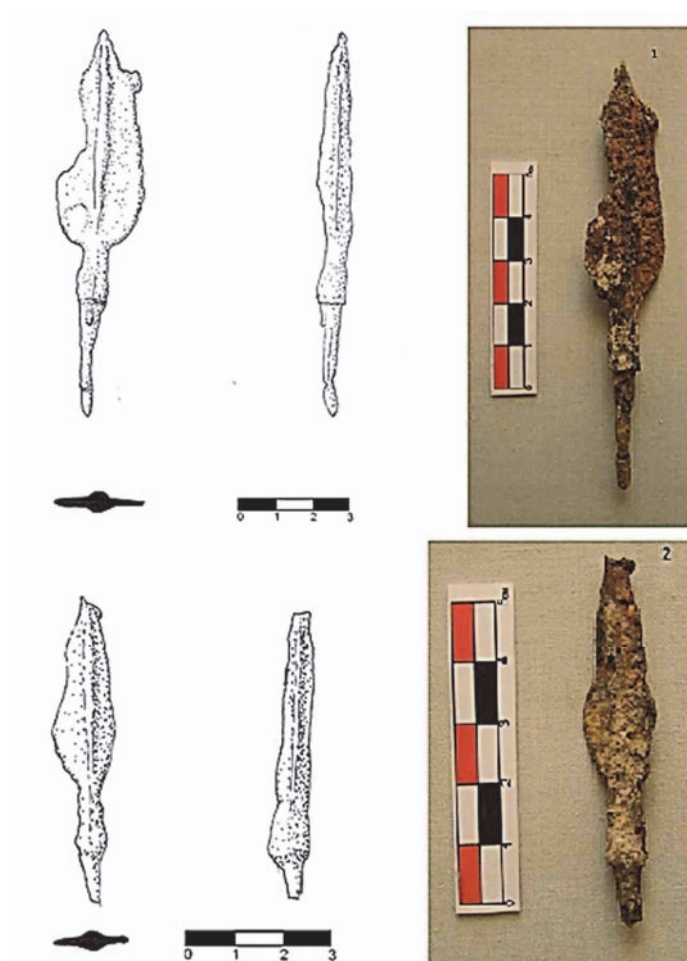
قوم باستان‌شناختی راه‌کارهای شکار حوزه ... _____ علی نوراللهی و همکاران

کاربرد چندگانه (دفاع، جنگ و شکار) داشته‌اند و نمی‌دانیم که آیا ابزار شکار بوده‌اند. کوچ‌نشینان به دلیل ضرورت‌های این نوع معیشت همیشه مسلح هستند و براساس تقویم زیستی که دارند در طول سال با تغییرات هوا با رمه‌های‌شان کوچ می‌کنند و با انواع روش‌های شکار آشنایی دارند. براساس مدارک باستان‌شناسی سابقه کوچ‌نشینی به هزاره پنجم پ.م. (یعنی ۴۶۰۰ پ.م.) می‌رسد و سلاح‌های فراوانی در گورهای این دوره و دوران بعد قرار داده شده‌است. تعداد زیادی ریزتیغه‌های سنگی ظریف در کنار آن‌ها و دیگر اشیاء تدفینی به‌دست آمده که پژوهش‌گران در خصوص کاربرد آن‌ها نظری ارائه نداده و صرفاً به معرفی آن‌ها پرداخته‌اند. از آن‌جا که این سرتیرها از منابع خام موجود در طبیعت اطراف به طور مسقیم و با تغییر اندکی در شکل سنگ قابل برداشت است. نسبت به سرتیرها فلزی (شکل ۱۴) که تهیه آن‌ها مستلزم فرآیند بسیار پیچیده‌ای است راحت‌تر و ارزان‌تر بود و افراد می‌توانستند به راحتی آن‌ها را تهیه و در شکار استفاده کنند (به خصوص شکار پرندگان). در حالی که سرتیرهای فلزی سنگین‌تر بوده و به نظر می‌رسد در شکار حیوانات بزرگ و جنگ‌ها به‌کار برده می‌شدند. امروزه تداوم شیوه مسکن و تدفین (معماری قبور) عصر آهن III را در نوع معماری و شکل قبور کوچ‌نشینان این منطقه شاهد هستیم. این شیوه با تغییرات اندکی در شکل به همان صورت انجام می‌گیرد. می‌توان این تداوم را در سایر جنبه‌های زندگی از جمله شکار که به طور مستقیم متأثر از زیست محیط و منابع طبیعی است، و تقریباً از هزاره اول پ.م تا حدود ۱۰۰ سال اخیر تغییر محسوسی نداشته را در نظر آورد.

شیوه معیشت ایل کلهر بر دامداری استوار است و درکنار آن از گذشته‌های دور تاکنون به شکار، گردآوری^۱ و کشاورزی پرداخته‌اند. یکی از دلایلی که عشایر دست به شکار می‌زدند این است که به جای کشتن و مصرف احشام خود که نقش بسیار مهمی در معیشت و اقتصاد خانواده دارند به راه حل ساده‌تر یعنی شکار که در اطراف آن‌ها تقریباً فراوان بود روی آورده‌اند. براساس بررسی راه‌کارهای شکار در این منطقه می‌توان بیان کرد که شکار بیشتر توسط عشایر انجام می‌شده است. البته این شکار برای مقاصد مختلف و در زمان خاص خود صورت

۱. در میان ایل کلهر و دیگر ایل‌های منطقه گردآوری گیاهان خوراکی توسط زنان انجام می‌گیرد. بر عکس شکار که کاری مردانه است.

می‌گرفت، ولی هیچ‌گاه بیش از حد نیاز نبوده و در قلمرو طایفه یا تیره انجام می‌شد. شکار در خارج از حدود طایفه و یا ایل تجاوز تلقی می‌شده است، همچنین سعی بر این بوده که کمتر حیوانات ماده و آبستن را بکشند. این موضوع مانع از شکار بیش از حد حیوانات شده و بقای نسل آن‌ها را تا حدود زیادی تضمین می‌کرد.



شکل ۱۴ دو نمونه از پیکان‌های آهنی یافت‌شده در سطح قبرستان بان کبود ۱ شهرستان ایوان
(ع.نوراللهی)

۱۴- کتاب‌نامه

- بیگلری، فریدون (۱۳۹۳). شکار و بهره‌برداری از حیوانات در ایران طی دوران پارینه سنگی، کاتالوگ نمایشگاهی: نشانه‌هایی از دویست‌هزار سال هم‌بودی انسان و جانوران در ایران زمین، تهران موزه ملی ایران.
- بیلی، روبرت و قبیلہ اف (۱۳۷۶). «شکارچیان جنگل‌های پرباران آفریقا، ترجمه لیلا پاپلی‌یزدی»، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۴۷، صص ۱۰۹-۱۱۹.
- امان‌اللهی‌بهاروند، سکندر (۱۳۸۴). کوچ‌نشینی در ایران، تهران، انتشارات آگه.
- پرهیزگاری، سعید و مجید پرهیزگاری (۱۳۸۲). در مسیر گنگیر، تهران، نشر عابد.
- چی پولا، کارلو (۱۳۵۶). تاریخ اقتصادی جمعیت جهان، ترجمه اصغر سرقینی، تهران، موسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.
- زاگارل، آلن (۱۳۸۵). باستان‌شناسی پیش از تاریخ منطقه بختیاری: ظهور شیوه زندگی در ارتفاعات، ترجمه کورش روستایی، سازمان میراث فرهنگی استان چهارمحال بختیاری.
- فرزین، علیرضا (۱۳۸۴). گورنگاره‌های لرستان، تهران، پژوهشکده مردم‌شناسی.
- طلایی، حسن (۱۳۸۵). عصر مفرغ ایران، تهران، انتشارات سمت.
- علیزاده، عباس (۱۳۸۷). شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی ایلام باستان، چهارمحال بختیاری، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان چهارمحال بختیاری.
- مترجم، عباس (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل الگوهای استقراری دوره مفرغ قدیم در دشت‌های پیرامون کوهستان الوند، همدان، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران.
- ملک‌شهمیرزادی، صادق (۱۳۷۴). «شکار جرگه در جنوب تهران در ۴۵۰۰ سال پیش: آثار دوران پارینه‌سنگی میانه حوضه مسیله»، مجموعه مقالات سمپوزیوم بین‌المللی کوآترنر، ۱۳۷۳.
- ملک‌شهمیرزادی، صادق (۱۳۸۲). ایران در پیش از تاریخ، تهران، انتشارات پژوهشگاه.
- هنریکسون، رابرت (۱۳۸۱). گودین III و گاه‌نگاری غرب مرکزی ایران در حدود ۲۶۰۰-۱۴۰۰ پ.م، در باستان‌شناسی غرب ایران، فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت، صص: ۴۴۸-۴۰۴.

- هول، فرانک (۱۳۵۲). دوره پیش از تاریخ در جنوب غربی ایران، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، لرستان، اداره فرهنگ و هنر.
- نوراللهی، علی (۱۳۹۲). «بررسی الگوی استقرار دوره پارینه سنگی دشت میانکوهی آسمان آباد استان ایلام»، فصل‌نامه اثر، ش ۶۰، صص ۱۰۶-۱۳۴.
- یعقوبی، ابن واضح (۱۳۵۶). البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- Abdi, Kamyar, et al, 2003, Tuwe khoshkeh, Iran, pp. 43-74.
- Abdi, Kamyar, 2002, Strategies of Herding: Pastoralism in the Middle Chalcolithic period of the West Central Zagros Mountains, PhD thesis, University of Michigan.
- Adams, Robert, 1989, Factors Influencing the Rise of civilization in the Alluvium: Illustrated by Mesopotamia, Carl Kraaling & Robert Adams(ed), City Invincible: A Symposium on Urbanization and Cultural development in the Ancient Near East, Chicago University.
- Amanolahi Baharvand, Sekandar, 1975, The Baharvand, Former Pastoralists of Iran, PhD Thesis, Rice University, unpublished.
- Bates, M, 1953, Human Ecology, in A.L. Kroeber(ed), Anthropology Today, Chicago.
- BarYosef, O., 1994, The contribution of southwest Asia to the study of the origins of modern humans, 23-66. In Origins of Anatomically Modern Humans, ed. M. T. Nitecki & D. V. Nitecki. New York: Plenum Press.
- Braidwood, R. & Reed C., A., 1957, The Achievement and Early Consequences of Food Production, Cold Spring Harbor symposia on quantitative Biology, Vol. 22, Population Studies: Animal Ecology and Demography: Norton.
- Smith, Philip E. L., 1986, Palaeolithic Archaeology in Iran, Philadelphia: The University Museum, University of Pennsylvania.

- Watson, Paty, Jo, 1979, *Archaeological Ethnography in Western Iran*, Viking Fund Publications in Anthropology, No.57, University of Arizona Press.
- Kramer, Carol, 1982, *Village Ethnoarchaeology Rural Iran in Archaeological perspective*, London, Academic press.
- Hole, Frank, 1978, *Pastoral Nomadism in Western Iran*, In *Explorations in Ethnoarchaeology*, Richard A. Gould, ed. Albuquerque: University of New Mexico Press, pp.127-167.
- Hole, Frank, Kent V. Flannery, James A. Neely, 1969, *Prehistory And Human Ecology Of The DehLuran Plain An Early Village Sequence from Khuzistan, Iran*, Ann Arbor.
- Hole, Frank, 1974, *Tepe Tula'i, an early campsite in Khuzistan, Iran, Paleorient*, Vol. 2, No.2, pp. 219-242.
- Pires, Wheeler, Ferreira J., 1975, *Tepe Tula'i, Faunal Remains from an Early Campsite in Khuzistan, Iran, Paleorient*, Vol. 3, No. 1, pp. 275-280.
- Zagarell, Allen, 1975, *Nomad and setteled in the Bakhtiari mountains*, Sociologus n. s. 25, pp. 127-38.
- Mortensen, Inge Demant, 1993, *Nomads of Luristan, History, Material culture, and Pastoralism in western Iran*, London: Thames and Hudson.
- Haerinck, E. & B. overlaet, 1996, *The chalcolithic period parchinah and Hakalan*, Royal museums of art and history, Brussels.
- Haerinck, Ernie & Bruno Overlaet, 1998, *Chamahzi Mumah: An Iron Age III Graveyard, Luristan*, Leuven: Acta Iranica 33.
- Haerinck, Ernie & Bruno Overlaet, 1999, *Djubi Gauhar and GulKhanan Murdah: Iron Age III Graveyards in the Aivan Plain*, Leuven: Acta Iranica 36.
- Haerinck, Ernie & Bruno Overlaet, 2004, *The Iron Age III Graveyard at War Kabud, Pusht i Kuh, Luristan*, Leuven: Acta Iranica 42.

- Henrickson, Robert C., 1982, The Bronze Age in Northwestern, Western and Southwestern Persia, in Encyclopedia Iranica, E. Yār Shāter (Ed), London & NewYork, Routledge.
- Hawley, Amos H., 1950, Human Ecology, N. Y. Macmillan Company.
- Ovelaet, Bruno, 2003, The early Iron Age in the pusht I kuh, Luristean, Leuven: Acta Iranica, 3e serie.
- Young, T. C, and L. D. Levine., 1974, Excavations of the Godin Project: Second Progress Report. Toronto: Royal Ontario Museum.
- Piggott, S, 1950, PrHistoric India, London.
- Mellaart, James, 1965, Earlist Civilizations of the Near East, London, Thames and Hudson.
- Mellaart, James, 1975, The Neolithic of the near East, London, Thames and Hudson.
- Wenke, Robert J., 1990, Pattern in pre History: Human kinds First Three Years, New York, Oxford University press.
- Vanden Berghe, L., 1987, Les pratiques funéraires de l'âge du Fer III au Pusht-i Kuh, Luristan: les nécropoles genre War Kabud, Iranica Antiqua 22, pp. 201-266.
- Vanden Berghe, L., 1980, Des tombes de l age due Fer au Luristan. La necropole de Djub I Gauhar en Iran, Archeologia, No. 138, pp. 32-47, 22 ill.
- <http://iranparineh.persianblog.ir/tag/>